

دو دهه جوانه کشی در ایران !!

آرش کمانگر

در تمام دنیا تقریباً همگان بر سر این نکته (حداقل در حرف) اشتراک دارند که کودکان و جوانان ، « آینده سازان » هر کشور محسوب میشوند .

متناسب با این نوع نگرش ، سعی میشود از دو طریق این امیدهای نسل فردا را دریابند : نخست از طریق الویت دادن به کودکان و جوانان در تمام عرصه های زندگی ، و دوم از طریق اغماض و چشم پوشیدن از خطاها و جرائم آنها با هدف دادن فرصت و آموزش برای بهسازی خود . در جامعه شناسی به این میگویند: « تبعیض مثبت » .

در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی نیز انصافاً با نونهالان و جوانان برخورد ویژه ای میشود تا آنجا که این کثیرالعدد ترین قشر جامعه در بسیاری از عرصه های زندگی اثرات این برخورد ویژه را حس میکنند . با این تفاوت که تبعیض سیستماتیک اعمال شده در دو دهه اخیر عوض آنکه « مثبت » باشد « منفی » بوده است .

یعنی نسل آینده ساز کشورمان عوض آنکه از جنبه های مثبت زندگی نظیر : آزادی ، شادی و رفاه سهم بیشتری ببرند ، بالعکس در حوزه های منفی زندگی مغیر : سرکوب ، تبعیض ، زندان ، شکنجه و کشتار ، قربانیان اصلی بوده اند .

در همین راستا بعد از اینکه به آخرین تمه های نیمه دموکراتیک بجای مانده از انقلاب بهمن پایان داده شد و اختناق هولناک پس از عزل بنی صدر و مشخصاً بعد از ۳۰ خرداد ۶۰ آغاز گردید ، قبل از همه و بیش از هر قشری ، این جوانان و نوجوانان کشورمان بودند که هزارهزار به جوخه های مرگ سپرده شدند . سرمایه های گرانبهایی که بین ۱۳ تا ۳۰ سال سن داشتند . علاوه بر آن رژیم طبق قوانین شرعی و بدستور مستقیم خمینی ، دختران اعدامی را برای اینکه باکره چشم از جهان فرو نیندند ، تجاوز نیز میکردند . این جنایات هولناک در سالهای اوجگیری جنگ خانماسوز ایران و عراق ، با اقدام دیگری نیز تلفیق شد و آن گرفتن خون اعدامیان برای مصارف جنگی بود .

اما اگر شکنجه گاههای جمهوری اسلامی جان دهها هزار انسان (که نود درصد آنها را جوانان تشکیل میدادند) گرفت ، جبهه های جنگ هشت ساله بمراتب فاجعه بارتر بود و توانست جان عزیز صدها هزار کودک و جوان کشورمان را بستاند . نونهالانی که آنها را با فریب « بهشت » و کلید پلاستیکی آن در گردن ، زنده زنده روانه میادین مین نموده و جان عزیزشان را پرپر کردند و آنگاه که خمینی پس از تداوم بیهوده هشت سال جنگ و بجای گذاشتن صدها هزار کشته ، یک میلیون معلول و صدها میلیارد دلار خسارت ، ناگزیر از سرکشیدن جام زهر آتش بس شد ، با یک فرمان فاشیستی تصمیم گرفت که انتقام شکست جنگی اش را از هزاران زندانی بیدفاع بگیرد و ناکامی فتح کربلا و قدس را با شیخون به اوین و گوهردشت و . . . جبران کند .

بدین ترتیب در شهریور ۶۷ هزاران تن از زندانیان سیاسی و عموماً جوان را که طبق محاکمات بیدادگاههای رژیم دوران محکومیت « عادی » خود را میگذرانند با طرح چند پرسش ایدئولوژیک ، گروه گروه روانه مسلخ نمودند ، جنایت هولناکی که حتی در بیانیه ها و کتاب خاطرات منتظری نیز به حداقل حدود چهار هزار فقره اعدام در تابستان آن سال اعتراف شده است .

این همه ثابت میکند که جمهوری اسلامی نه تنها به لحاظ میزان اعدام ، اجرای قوانین قرون وسطایی و استبداد خشن سیاسی و مذهبی جزو چند حکومت نخست دنیاست ، بلکه همچنین در زمینه جوان کشی یعنی تاراج جوانه های سبز زندگی و به باد فنا دادن امیدهای آینده ساز نیز، در صدر لیست رژیم های ارتجاعی جهان قرار دارد . این خود به ما و انبوه آزادیخواهان دنیا نهیب میزند که در سالگرد قتل عام شهریور ۶۷ بار دیگر عزم خود را برای محاکمه سران جنایتکار این رژیم در یک دادگاه بین المللی دوجندان کنیم و سهم بایسته خویش را در پیکار برای آزادیو برابری ایفا نماییم .